

تبیین شاخص‌های امنیت‌ساز در میان اقوام ایران

محسن جان‌پور^{۱*}، طهمورث حیدری موصولو^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۹

چکیده:

ایران از روزگار کهن کشوری با ملتی متنوع از اقوام، فرهنگ‌ها، شیوه‌های زیست، مذهب و زبان‌های گوناگون و دارای پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و مذهبی در میان اجزای خود بوده است. این کلیت یکپارچه اما تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی با چالش‌هایی مواجه می‌شود؛ به گونه‌ای که در طول زمان گاه وحدت و همبستگی ملی آن دچار آسیب‌ها و تهدیداتی شده است. بنابراین مسأله حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی و وحدت ملی همواره به‌عنوان یک هدف راهبردی مورد توجه حکومت‌های ایران بوده است؛ مسأله‌ای که همچنان اولویت خود را حفظ کرده است. همچنین، هر چند حضور اقوام و ایلات همواره در طول تاریخ ایران منجر به زایش و پویایی فرهنگ و تمدن کهن شده است؛ اما در عین حال، به‌دلیل برخی متغیرهای مهم و اثرگذار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عرصه‌های داخلی و خارجی، شرایط و بسترهای بروز مشکلات و آسیب‌های امنیتی، در حوزه‌های قومی آماده و نمودار شده است. در ارتباط با مسایل امنیتی این رویکرد، پژوهشی صورت گرفته است. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده که مهمترین عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام ایران چیست؟ روش تحقیق این مطالعه از نوع پیمایشی و کیفی است و برای گردآوری اطلاعات آن از مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر دین مشترک و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز) و احترام به آداب و رسوم اقوام از مهمترین عوامل امنیت‌ساز محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ایران، قوم و قومیت، امنیت.

۱ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی^{*} (نویسنده مسؤل) Email: janparvarm@yahoo.com

۲ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

کشور ایران به دلیل شرایط آب و هوایی و موقعیت راهبردی آن همواره در طول تاریخ محل عبور اقوام و ایلات مختلف و شکوفایی فرهنگ‌های متنوع بوده است؛ تا جایی که از ایران در بسیاری از منابع و نوشته‌ها و گفته‌ها با نام «پل ارتباطی شرق و غرب» یاد کرده‌اند و بسیاری از خاورشناسان، ایران را خاستگاه تنوع و چندگونگی دانسته‌اند. از همین روی است که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی کشور در عین وحدت و یگانگی و برخوردار از پیوند ارگانیکی در قالب یک اجتماع فراگیر و پایدار توانسته است تکثر و تنوع درونی خود را حفظ کرده و در طول قرن‌ها با پویایی و بالندگی استمرار یابد. حضور گروه‌های قومی کرد، بلوچ، ترکمن، آذری، عرب و معتقدان به ادیان دیگر از جمله زرتشتیان، ارمنی‌ها، کلیمیان، صابی‌ها و صدها ایل و قبیله کوچک و بزرگ همچون بختیاری، شاهسون، قشقایی، بویراحمد، باصری و... که همه در زیر چتر عظیم فرهنگ و هویت ملی ایرانی، زیستی مسالمت‌جویانه دارند مؤید وحدت کثرت‌گونه اجتماع ملی سرزمین ایران است. همچنین، در کشورهایمانند ایران که با پدیده تکثر قومی و فرهنگی مواجه هستند نوع و چگونگی این مناسبات و پیوندها میان حکومت و اقوام از طریق طراحی و تعریف رویه‌های قانونی و اجرایی مشخص که مجموعه آن‌ها سیاست و مدیریت قومی نامیده می‌شود، تعیین شده است. اما با این حال، به لحاظ چالش‌هایی که از ناحیه اجتماعات قومی و ملی فراروی نظام سیاسی و ناسیونالیسم میهنی ایجاد شده، مسأله مدیریت انسجام و همبستگی کشور همچنان دارای اهمیت است (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۷). با توجه به تغییر و تحولات گسترده‌ای که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌ویژه در دهه‌های اخیر در منطقه و جهان به‌وقوع پیوسته است، بدون تردید همه پایگاه‌های حیات قومی و عشیره‌ای از آن بی‌تأثیر نبوده و این تحولات و دگرگونی‌ها اثراتی بر روابط میان جامعه قومی و نظام سیاسی کشور داشته است. با توجه به تجربیات گذشته، امروز نیازمند به بازبینی سیاست‌ها و الگوهای مدیریتی موجود از یک سو و تجربه جهانی از سوی دیگر هستیم تا مطابق با

نیازهای زمانه و اوضاع کنونی بین‌المللی و داخلی الگوی مطلوب مدیریت تنوع قومی در کشور طراحی شود؛ الگویی که علاوه بر رفع نارسایی الگوهای تجربه‌شده موجود راهنمای آینده نیز باشد. بنابراین، در این پژوهش کوشش شده تا عواملی را که سبب ثبات و امنیت در جغرافیای قومی کشورمان می‌شود تبیین کنیم.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام و برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای پاسخ به پرسش پژوهش از دو روش کمی (پیمایش) و کیفی (مصاحبه) استفاده شده است. داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، نخبگان دانشگاهی و نخبگان سیاسی فعال در عرصه مطالعات قومی از جمله استادان دانشگاه‌های تهران و دانشجویان مقطع دکترا در استان تهران به شمار ۲۲۵ نفر هستند. جامعه آماری نیز نامحدود و روش نمونه‌گیری، تصادفی است. بنابراین انتخاب جامعه آماری از روایی صوری برخوردار است؛ ضمن آن که پرسشنامه‌ای نیز برای یافته‌های میدانی طراحی شده است. پرسشنامه طراحی شده در این تحقیق ۲۱ سؤال دارد که این پرسش‌ها بر اساس شاخص‌های مدنظر به صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی شده است. پرسش‌ها به بررسی شاخص‌های امنیت پایدار در میان اقوام ایران می‌پردازد. شاخص‌هایی که در این پرسشنامه لحاظ شده‌اند، در قالب یک فرضیه با ۲۱ پرسش آزمون می‌شوند که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- شاخص‌های تحقیق

شاخص‌های ۲۱ سؤال فرضیه پژوهش

توجه جدی به توسعه و فقرزدایی از منطقه، ارتباطات مؤثر مسؤولان استانی با اقوام مرزی برای رفع نیازها، ارتباطات مؤثر مسؤولان حکومتی با اقوام منطقه، برگزاری جلسات هم‌اندیشی مذاهب و اقوام در موضوع‌های مشترک، استقبال نخبگان قومی از برنامه‌های مناطق قوم‌نشین و ملی، تأسیس مدارس دینی و جذب طلاب در داخل به‌جای مهاجرت به خارج، روشنگری و مقابله با تبلیغات نیروهای بیگانه، احترام به آداب و رسوم و سنت‌های مرسوم منطقه، تهیه و اجرای طرح توسعه منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت استان‌های مرزی، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهای جغرافیایی مرزی (به‌منظور توسعه تعاملات اجتماعی-سرزمینی)، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، ترویج و تقویت نمادهای هویت ملی (مثل سرود ملی، پرچم ملی و...)، کنترل دقیق مرزها با ابزارهای الکترونیکی نوین، به‌مشارکت تولید اقوام در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همبستگی ملی، تأکید بر دین مشترک، تأکید بر آیین‌های پیوندگر و جشن‌های ملی (مثل عید نوروز و...)، کنترل مؤثر ارتباطات اقتصادی و اجتماعی اقوام با کشورهای همسایه، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، برقراری عدالت جغرافیایی در مناطق مرزی و ایجاد توازن نسبی میان مناطق مرکزی و حاشیه، آموزش و تربیت نیروهای متخصص بومی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... برای مدیریت مشاغل مناطق قومی و افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی.

۱-۲- روایی و پایایی ابزار تحقیق

برای محاسبه پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. محاسبه آلفای کرونباخ نمایانگر آن است که ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه، معادل ۰/۹۷۵ است. از آن‌جا که این ضریب در بالاتر از ۰/۷۰ جای دارد، می‌توان گفت که ابزار تحقیق از پایایی بسیار بالایی برخوردار است.

۲-۲- سؤال و فرضیه پژوهش

مهمترین عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام ایران چیست؟ در این ارتباط فرضیه‌ای تدوین شده است مبنی بر این که تأکید بر دین مشترک، توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهای جغرافیایی مرزی، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، احترام

به آداب و رسوم اقوام و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز) از مهمترین عوامل امنیت‌ساز محسوب می‌شوند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- قوم و قومیت

واژه قوم را باید بیشتر یک مقوله فرهنگی به شمار آورد و قومیت را می‌توان یک ایده دانست؛ یک ساختار فرهنگی مرتبط با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصولی که همراه با شرایط متغیر محیطی، مدام در حال دگرگونی است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۱۲). به‌رغم آن که به‌نظر می‌رسد واژه «قومیت» اصطلاح واضح و بدون ابهام است، در تعریف آن اتفاق نظری وجود ندارد. ماکس وبر، گروهی را که اعضایش نسبت به پیشینه تاریخی، ریخت فیزیکی، آداب و رسوم و خاطرات مشترک، باور همانند یا یکسانی داشته باشند، «گروه قومی» می‌داند (۵۷۵: ۲۰۰۶، Borgatta). قوم یک گروه انسانی - نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌ای در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که حتی از دیگر گروه‌های نژادی خود قابل تفکیک می‌شود (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). از نظر آدام کوپر قومیت «مقوله‌ای بنیادی در سازمان اجتماعی» است که اساس آن «عضویت» و «تعلق» مبتنی بر اشتراک در ریشه‌های تاریخی، فرهنگ، مذهب و زبان است (۲۶۰: ۲۰۰۴، Kupper). جورج دووس^۱ قومیت را استفاده از برخی ابعاد زمینه و پیشینه فرهنگی یک گروه برای جداکردن آن از دیگران می‌داند (Devos, ۲۰۰۳-۲۰۰۲). رابرتسون قومیت را ترکیب پیچیده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی، نژادی و تاریخی می‌داند که با تکیه بر آن، جوامع به خانواده‌های سیاسی جداگانه و گاه خصمانه تقسیم می‌شوند (۱۶۹: ۲۰۰۹، Robertson). جیلز و جانسون^۲، گروه قومی را افرادی می‌دانند که تعلق خاطر به مقوله قومی واحد دارند (Boucher & Landis, ۲۰۰۹).

۱ - George Devos

۲ - Giles & Johnson

۷۸). از نظر تکثرگرایان، قومیت نوعی دیدگاه درونی است که زمینه ساز بروز دادن هویت قومی در هنگام برقراری تعامل است و در آن اجباری نیست (Waters, ۲۰۰۷: ۱۰۱-۱۰۲). یکی از جامع‌ترین تعاریف، از آن توماس هیلانده^۱ است. از نظر وی «قومیت» یک هویت اجتماعی است که از ابعاد سیاسی، سازمانی و نمادین برخوردار است. از ویژگی‌های گروه‌های قومی، تمایل به اسطوره‌هایی با ریشه مشترک است. باور به ریشه و تاریخ مشترک، خود را متمایز از دیگران دیدن، از فردیت و تعیین برخوردار بودن در فرهنگ جمعی و احساس همبستگی و سرنوشت مشترک، بارزترین مشخصه‌های یک قوم است (Hylland, ۲۰۰۸: ۲-۱۷). در واقع، اصطلاح «قوم» شامل مجموعه‌ای محدود از افرادی با هویت فرهنگی مشترک است که به‌عنوان اقلیت در چارچوب ملی حضور دارند. به‌عنوان مثال می‌توان از اقوام آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، و... در چارچوب مرزهای شناخته‌شده ایران یاد کرد.

۳-۲- امنیت

امنیت یک وضعیت نسبی است؛ یعنی هیچ‌گاه یک فرد یا یک کشور در مقیاس کلان نمی‌تواند مدعی برخورداری از امنیت کامل باشد. امروزه مفهوم امنیت برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال، یکپارچگی ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور است (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹: ۵۱). هرچیز، زمانی به یک موضوع امنیتی تبدیل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود (که نسبتاً -ولی نه اساساً- حکومت متشکل از دولت، سرزمین و ملت است) جلوه کند. سرشت خاص تهدیدهای امنیتی، توسل به تدابیر ویژه را برای مهار آن‌ها موجود می‌سازد (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۸۶: ۴۶). مفسران امنیت معتقدند که در قبال امنیت هم می‌توان رویکردی عینی^۲ (بر اساس وجود تهدیدی راستین) اتخاذ کرد و هم رویکردی

۱ - Thomas hylland

۲ - Objective

ذهنی^۱ (بر اساس احساس تهدید) و هیچ تضمینی نیست که این دو رویکرد، کارها را راست و ریس کند (همان: ۵۸). تمایز میان این دو رویکرد، برای صورت‌بندی مفهومی از امنیت بین‌الملل که مناسب دستور کاری چندبخشی باشد اهمیت قاطع دارد.

در نظام ژئوپلیتیک جهانی معاصر، مهم‌ترین موضوعات امنیت اجتماعی قبیله‌ها، عشیره‌ها، ملت‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و نژادها هستند (Thomas, ۲۰۰۸: ۷۶). نیروهای برهم‌زننده ثبات و ماهیت تهدیدهای امنیتی روزبه‌روز پیچیده‌تر و شناسایی آن‌ها مشکل‌تر می‌شود. پیدایش بازیگران درون حکومتی و فراحکومتی محل ثبات و امنیت و دسترسی آنان به تسلیحات جدید و اطلاعات فن‌آوری باید مورد توجه خاص دستگاه سیاست‌گذاران قرار گیرد (شولتز، گادسون و کوئیستر، ۱۳۸۶: ۲۷۸). اصولاً ممکن است در آن واحد چهار نوع امنیت مختلف یا بیشتر مطرح باشد: امنیت یکایک شهروندان، امنیت ملت، امنیت نظام و امنیت حکومت. اگر جامعه‌ای مرکب از گروه‌های فرقه‌ای مرکب از هویت‌های قومی یا مذهبی گوناگون باشد امنیت این گروه‌ها هم می‌تواند مطرح باشد و همین موجب می‌شود تا کنش و واکنش و رقابت میان بازیکنان مختلف حتی پیچیده‌تر و حل‌نشدنی‌تر شود (Job, ۲۰۰۵: ۱۵). در تحلیل واقع‌گرایانه کلاسیک، انسان‌ها اگر رها از قید حکومت و قانون (در شرایط هرج و مرج) به سر برند، انگیزه‌ها و رفتاری از خود بروز می‌دهند که به جنگ، تهدیدها و ناامنی راه می‌برد (Marsden, ۲۰۰۹: ۱۳). برخی واقع‌گرایان، نابرابری اقتصادی را ریشه تهدیدها می‌دانند.

سنت‌گرایان امنیت را به «نبود تهدید نظامی» تعریف می‌کنند. در نگاه ایشان هدف اصلی در امنیت، تقویت توان نظامی، بالا بردن هزینه‌های نظامی و تولید و تکثیر سلاح‌های بازدارنده است. در واقع، معتقد به «قدرت بیشتر؛ امنیت بیشتر» هستند. اما در مطالعات فراستانی تهدید در ابعاد دیگری چون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... مهم و بسیار دغدغه‌آفرین شناخته می‌شود. بر این اساس امنیت، تنها نبود تهدید نظامی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تهدیدات در تعریف و تحلیل امنیت اثرگذار است. در این دیدگاه، امنیت

ثابت و یکنواخت نیست؛ بلکه در بستر زمان همراه با پیشرفت و توسعه تحول می‌یابد (بهرامی، ۱۳۸۵: ۹۵). در کشورهای توسعه یافته، انواع امنیت به یکدیگر وابسته نیستند یا وابستگی اندکی با هم دارند. اندیشمندان این کشورها می‌توانند از امنیت اجتماعی و داخلی تعریف ویژه‌ای داشته باشند یا بدون در نظر گرفتن تهدیدهای داخلی به تعریف امنیت ملی بپردازند. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه و جهان سومی، صورت‌های گوناگون امنیت در یکدیگر تنیده‌اند و قلمرو امنیت ملی بسیار گسترده شده است؛ تا آن‌جا که در بسیاری از این کشورها بی‌ثباتی سیاسی و نبود امنیت داخلی در مقام مقایسه با تهدیدهای خارجی به مراتب سخت‌تر می‌نماید و ارزش‌های حیاتی را بیش از هر تهدید دیگر خارجی در معرض زوال و بی‌توجهی قرار می‌دهد. این درهم‌تنیدگی گونه‌های امنیت در کشورهای جنوب، بیشتر پی‌آمد بحران مشروعیت، نبود اراده ملی و تنوع قومی و آشفتگی اقتصادی است (همان: ۹۸). آرنولد و لفرز به نقل از والتر لیپمن^۱، می‌گویند: «یک ملت زمانی امنیت دارد که بتواند بدون خطر، حافظ ارزش‌های اساسی خود باشد، از جنگ پرهیزد و بتواند در هنگام چالش، ارزش‌های خود را با موفقیت حفظ کند» (Wolferser, ۲۰۰۴: ۱۲۷). جان مروز^۲ امنیت را رهایی نسبی از تهدیدهای خطرناک می‌داند (Martin, ۲۰۰۶: ۱۸۹).

۴ - یافته‌های تحقیق

۴-۱- یافته‌های کتابخانه‌ای

۴-۱-۱- تنوع قومی در جغرافیای سیاسی ایران

ایران سرزمینی است که از آغاز تعامل، رفاقت و «وحدت در عین کثرت» در آن نهادینه شده است. در جامعه چندقومی ایران شناسایی خرده فرهنگ‌های مختلف ضروری است و باید الگوی خاص و مناسبی با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و... ارایه شود. در ایران، انسجام و امنیت در سطح ملی که محصول دستگاه حکومت در

۱ - Walter Lippmann

۲ - John Mroz

جایگاه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است نقش عمده‌ای را در ایجاد و حفظ امنیت در سطوح مختلف دارد.

ویل دورانت در تاریخ تمدن در باره ایران می‌نویسد: «یکی از ارکان سیاست و حکومت کوروش آن بود که برای ملل و اقوام مختلف آزادی عقیده دینی و عبادت قایل بود». موریس دورگر^۱، نیز در راستای نگرش «هرنشمیت» شیوه فرمانروایی ایرانی را به این شکل توصیف می‌کند که شاهنشاهی ایرانیان شیوه فرمانروایی بر سرزمینی گسترده با مردمی دارای زبان‌ها و آداب و رسوم گوناگون بود که به تدریج با حفظ تنوع و کثرت خود، ملت واحدی را تشکیل دادند. ایران به جهت قرار گرفتن در گذرگاه مهاجرت‌های تاریخی با ترکیب قومیت‌های گوناگون در بافت جمعیتی خود مواجه است که به تناسب پیشینه تاریخی، تحولات سیاسی و اجتماعی در گستره سرزمین توزیع و مستقر شده‌اند. مهاجرت‌های تاریخی میان سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا به سکونت اقوام گوناگون و درهم آمیختگی نژادی و پیدایش اقوام^۲ انجامیده است (احمدی‌پور و حیدری موصول، ۱۳۸۹: ۴۴). موقعیت جغرافیایی ایران و تاخت و تاز اقوام کوچ‌نشین با زبان‌ها و ادیان گوناگون در طول سه هزار سال گذشته، منجر به استقرار سه خانواده زبان آریایی، سامی (عربی، عبری و آشوری) و اورال آلتای (ترکی و مغولی) و نیز ادیانی چون زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام در ایران شده است. بسیاری از متخصصان گروه‌های قومی ایران را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: آریایی‌ها (افغان‌ها، هزاره‌ها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها، فارس‌ها، آذری‌ها، طالبی‌ها، کردها، لرها و تاجیک‌ها)؛ ایرانیان غیر آریایی (ترک‌ها، ترکمن‌ها و ارمنی‌ها)، سامی‌ها (عرب‌ها، یهودی‌ها و آشوری‌ها) و دیگر گروه‌های مختلط (یوسفی‌زاده، ۱۳۷۴). در یک تقسیم‌بندی که به ویژگی‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی توجه دارد اقوام و قبایل ایرانی به این گونه دسته‌بندی شده‌اند:

۱ - Murices duverger

۲ - Polygenis

۱- ایلات بلوچه: ساکن نواحی بلوچستان از سواحل دریای عمان تا بلوچستان شمالی و جنوب خراسان.

۲- طوایف براهویی: ساکن ناحیه بلوچستان شمالی که از نژاد دراویدی تکلم می کنند.

۳- اقوام ترک: الف- قزلباش های ساکن آذربایجان، دشت مغان، کوه های سبلان و ارومیه (افشارها)؛ ب- قزلباش های اینانلو و بغدادی ساکن نواحی قم و ساوه؛ پ- قزلباش های افشار ساکن ناحیه زنجان؛ ت- سه طایفه اینانلو، بهارلو و نفر از طوایف خمسه فارسی؛ ث- قشقایی ها در استان فارس؛ ج- ترکمن ها شامل قبایل یموت، تکه گوکلان ساکن در سراسر دشت گرگان و شمال خراسان؛ چ- قزاق ها شامل سه گروه ساکن پیرامون شهرهای گنبد کاووس، گرگان و بندر ترکمن، ایلات ترک دیگر نواحی ایران نظیر سیرجان، قزوین و کرج (محرابی، ۱۳۸۷: ۶۳).

۴- کردها: الف- طوایف کرد ساکن استان های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی؛ ب- طوایف کرد ساکن شهرستان های بجنورد، قوچان و شیروان در استان خراسان، کردهای ساکن نواحی مازندران، جنوب گیلان و تهران.

۵- لرها و لک ها: الف- لرهای ساکن نواحی لرستان، قسمت شمالی جلگه خوزستان و کوهپایه زاگرس؛ ب- منطقه چهارمحال بختیاری و شمال شرقی خوزستان؛ پ- پشت کوه ایلام؛ ت- کهگیلویه و بویراحمد و طوایف محسنی.

۶- ایلات عرب: الف- ایلات گوناگون عرب ساکن استان خوزستان. ب- طایفه عرب فارس (از جمله ایلات خمسه فارس) (امان اللهی بهاروند، ۱۳۸۰: ۲۶). پ- ایلات عرب ساکن نواحی خراسان (ایل تیموری)، عرب خانه و عرب میش مست که در نواحی ورامین، لرستان و دیگر نقاط ایران ساکن هستند و بیش تر آنان ویژگی های عربی و حتی زبان خود را از دست داده اند.

۴-۱-۲- عوامل انگیزشی امنیت پایدار و همگرایی ملی

عوامل تأکیدی که سبب انگیزش و امنیت پایدار در راستای همگرایی ملی می‌شود را می‌توان در چند مورد عنوان کرد:

۱- ریشه تاریخی مشترک؛ کشور ایران دارای ریشه تاریخی عمیقی است. حکومت و نظام سیاسی در این کشور حدود ۲۸۰۰ سال سابقه دارد که به جز در گسله‌های کوتاه مدت و دوره‌های گذار سیاسی، استمرار تاریخی داشته است. ملت ایران نیز در حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

۲- دین اسلام؛ این دین وجه مشترک بیش از ۹۸ درصد از ایرانیان است. با توجه به نقش بنیادی مذهب در باورها، اعتقادات و کردارهای مردم، این‌ها به منزله عوامل امنیت‌بخش و همگرا شناخته می‌شوند.

۳- مفاخر ملی؛ شخصیت‌های برجسته واقعی و اسطوره‌ای ایرانی که خود جزئی از فرهنگ ایرانی‌اند، از مشترکات مردم ایران و حتی ملت‌های پیرامون ایران به‌شمار می‌آیند. چهره‌هایی نظیر فردوسی، سعدی، حافظ، ابوعلی سینا، خیام، نظامی گنجوی و جامی و قهرمانانی نظیر رستم، سهراب و... به همه ایرانیان تعلق دارند و همواره از آنان به احترام یاد می‌شود. همچنین برخی از آثار و بقایای تاریخی و باستانی، نظیر پرسپولیس (تخت جمشید)، پاسارگاد، نقش رستم، تیسفون و...، احساس وابستگی و تعلق را در ایرانیان برمی‌انگیزد.

۴- آرمان سیاسی مشترک؛ ملت ایران، به‌ویژه در یک قرن اخیر آرمان سیاسی داشته و این آرمان مشترک، عامل همگرایی اقشار و گروه‌های مختلف ملت بوده است. آرمان سیاسی ناسیونالیسم در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی که افراد ملت در پدیدآوردن یا احساس تعلق به آن مشترکند، کاملاً آشکار است.

۵- نمادهای ملی؛ نمادها تجلی عینی و فیزیکی هویت ملی‌اند. بنابراین افراد ملت خود را به آن‌ها متعلق می‌دانند و از مطرح شدن و درخشش آن‌ها در سطح بین‌المللی احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. همچنین، نمادها به طور غیر مستقیم حس ناسیونالیسم و

همبستگی ملی را در مسیر امنیت پایدار تقویت و ملت ایران را به جدایی‌گزینی از دیگر ملت‌ها ترغیب می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

۶- تهدیدهای خارجی؛ این عامل، چه در شکل نظامی و امنیتی، چه در شکل فرهنگی و چه با ایجاد مخاطره برای حیثیت و شأن ملی، همگرایی تهدیدشوندگان را افزایش می‌دهد و آن‌ها را به اتحاد برای دفاع از خود وادار می‌کند. تهدید، تنها امنیت سرزمینی را هدف قرار نمی‌دهد بلکه ممکن است یک منفعت عمومی اقتصادی یا یک ارزش فرهنگی و دینی را به مخاطره اندازد و یا این‌که هویت ملی و حیثیت عمومی یک کشور را هدف تحقیر قرار دهد. در هر صورت اتحاد ملت در مقابل تهدید و تحقیر و واکنش نشان می‌دهند و با موضع‌گیری یکسان، آماده دفاع از خود می‌شوند. مثلاً کتاب آیات شیطانی چون ارزش‌های دینی مسلمانان را مورد تحقیر و اهانت قرار داده بود، باعث واکنش مشترک و اتحاد حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان جهان شد. همچنین هر بار که سرزمین ایران با تجاوز و تهدید نیروهای خارجی روبه‌رو شده همبستگی ملی و امنیتی افزایش یافته و تقویت شده است؛ چنان‌که در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجاوز نظامی به خاک ایران تأثیر مثبت بر میزان همبستگی ملی گذاشت و به اتحاد اقوام و گروه‌های اجتماعی برای اقدام مشترک دفاعی منجر شد. نیز، نگرش ملت ایران به آمریکا به‌منزله منبع تهدید، موجب اتخاذ موضع مشترک ضد آمریکایی و تداوم آن بوده است.

۴-۱-۳- عامل جغرافیا و سرزمین مشترک

این متغیر به‌عنوان یک عامل اصلی در عینیت بخشیدن به وحدت، شناخته می‌شود. وابستگی مکانی و اساساً محیط زندگی هر شخص جزئی از هویت اوست. اهمیت این عامل به آن است که در چه شرایطی و در برابر چه افراد و چه حکومتی بروز کند. شرط مهم این عامل، تهدید یا به عبارتی رویارویی با دیگران است.

۴-۱-۴- آیین‌های پیوندگر

در میان گروه‌های قومی ایران (آذری‌ها، لرها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، کردها، عرب‌ها)، کردها و لرها تبار خود را ایرانی و گاه خود را تنها ایرانیان واقعی معرفی می‌کنند. لرها در هر دو محور عمده گرایش‌های ارزشی شان در پیوند مستقیم و محکم با حکومت ملی است. تنها خاطره جمعی صیانت قومی آن‌ها می‌تواند در برهه‌هایی از آشفتگی اجتماعی و سیاسی به آن‌ها چهره ضد ملی ببخشد؛ چیزی که تا کنون تاریخ ایران به خاطر ندارد. در میان گروه‌های قومی ایران، گروه‌هایی که خود را از تبار ایرانی نمی‌دانند، تنها قزاق‌ها و ترکمن‌ها و از جنبه‌ای عرب‌های خوزستان هستند، اما در عین حال این اقوام در حال حاضر برای خود هویتی ایرانی قایل‌اند. در واقع آیین‌های مشترک و الگوهای فرهنگی نمادین، بسیاری از اقوام ایران را بر سر یک سفره می‌نشانند. یکی از مهمترین این آیین‌ها، مراسم عزاداری حسینی است؛ اعمالی که از باور و ایمان به ارزش‌های محرم سرچشمه می‌گیرند و در زندگی روزمره نیز جاری‌اند، مانند نذر، سوگواری و پرهیز از شادی و اعتقاد به شفا بخشی این آیین، از جمله مشترکات الگویی مربوط به این مراسم در میان گروه‌های قومی ایران است (فکوهی، ۱۳۷۸: ۳۹۱). همچنین، نوروز به عنوان یک جشن کهن از اقوام گوناگون منطقه به میراث رسیده و با رنگ و آب ویژه خود، شناسنامه ایرانی گرفته و به نماد پیوندگر افراد، اقوام ایرانی و ملت ایران تبدیل شده است. امروز نوروز به عنوان جشن ملی، تجلیگاه یگانگی، هم‌اندیشی، هم‌کنشی و همدلی ایرانیان در درون مرزهای ایران زمین است و اینک هم به عنوان یکی از مهمترین عناصر فرهنگ ملی و منطقه‌ای عامل همبستگی ملی اقوام تشکیل‌دهنده و نیز بستر پیوستگی فرهنگی ملل همجوار و هم‌مرز ایرانی به شمار می‌رود (شیخاوندی، ۱۳۷۹). فرهنگ و تمدن ایرانی از آموزه‌های دین اسلام تأثیر عمیقی پذیرفته است؛ به گونه‌ای که هویت ایرانی، هویتی ایرانی - اسلامی [خوانده می‌شود]. وجود آیین‌ها و مراسم مربوط به محرم، اعیاد قربان و فطر در میان همه اقوام و مذاهب اسلامی در ایران زمینه‌ساز پیوند میان اجزای مختلف ملت ایران بوده است. از این زاویه گسترش و پای‌بندی روزافزون گروه‌های قومی به پیروی از این آیین، نشانه‌ای از تأکید آن‌ها بر این امر است که همواره جزیی از ملت ایران بوده‌اند و خواهند بود.

مهمترین عامل پیوند گروه‌های قومی با فارسی‌زبانان در ایران زبان، ادبیات و موسیقی ایرانی است. در همه گروه‌های قومی ایرانی، ادبیات فارسی در طول قرن‌ها خوراک اصلی اندیشه این مردم بوده است. در سال‌هایی که امکان حیات و فعالیت‌های ادبی و هنری وجود داشته است، سه کانون جغرافیایی ورارود(ماوراءالنهر)، آذربایجان و فارس، کانون تجمع ادیبان و پارسی‌گویانی بوده است که اندیشه‌ها، نوشته‌ها و سروده‌های خود را به جای جای ایران می‌رساندند. به هنگام آشوب‌های سیاسی و تهاجم اقوام بیگانه، مراکز کشمیر و آسیای صغیر فعال می‌شدند (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). در مجموع، گروه‌های قومی ایران و فارسی‌زبانان و گروه‌های محلی، گرداگرد سه محور و نماد زبان، دین و تبار تاریخی، اشتراک‌الگوی دارند. دو نماد زبان و تبار تاریخی اگر چه در میان گروه‌های قومی به عنوان الگوهای فرهنگی درجه دوم محسوب می‌شوند، اما قدمت و تداوم تاریخی و کهن آن‌ها، بستر پیوند ملی این گروه‌ها را فراهم ساخته است.

۴-۱-۵- قانون و امنیت

امنیت اجتماعی ابعاد بسیاری دارد. یکی از اصلی‌ترین سرچشمه‌های حفظ و افزایش امنیت اجتماعی در هر جامعه وجود قوانین مناسب، همگانی، قابل اجرا و متناسب با نیازهای اجتماعی جامعه و منطبق با خواست‌های عمومی مردم است. قوانینی که مغایر با روح عمومی حاکم بر جامعه باشند، توانایی تنظیم رفتار متقابل افراد در عرصه اجتماع را ندارند؛ چون مردم به آن قوانین با دیده مشروعیت و اعتبار نمی‌نگرند (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴). همچنین، این مسأله موجب می‌شود که امنیت اجتماعی در معرض تهدید قرار گیرد. علاوه بر این، موجب بدبینی و بی‌اعتمادی مضاعف نسبت به قوانین موجود و گریز از مراجع قانونی برای رسیدگی قضایی می‌شود که خود آثار منفی بسیاری بر سلامت اجتماعی دارد.

۴-۱-۶- نخبگان قومی - سیاسی و امنیت مناطق

یکی از الگوهای پیش‌بینی تحولات قومی در ایران به رویکردها و رفتارهای نخبگان به‌ویژه به ظرفیت‌های بسیج‌پذیری قومی برمی‌گردد؛ زیرا رفتار و رویکرد نخبگان قومی در راستای امنیت پایدار به‌طور مستقیم تحت تأثیر عواملی است همچون:

الف - شکاف‌های اجتماعی و شدت و ضعف آن‌ها و روندهای آینده این مؤلفه؛

ب- الگوی سیاست قومی در ایران و جهت‌گیری آینده آن؛

پ- عوامل فرامرزی در قالب رقیبان منطقه‌ای و دشمنان خارجی (شاکری خویی، ۱۳۸۹: ۹۵).

بر این اساس، هر چه شکاف‌های اجتماعی میان مراکز حکومتی و پیرامون به‌لحاظ هویتی و سطح توسعه‌یافتگی کاهش یابد، رفتارهای نخبگان از جهت‌گیری حالت انتقادی و اعتراض و واگرایی از حکومت مرکزی به سمت وحدت و همگرایی اجتماعی میان اقوام مختلف کشور سوق پیدا می‌کند (Devos, ۲۰۰۵: ۲۱۴). همچنین اگر سیاست قومی، الگوی کثرت‌گرایانه را در رویارویی با فعالیت نخبگان و نیروهای اجتماعی قومی فراهم سازد می‌توان شاهد ظرفیت‌های وحدت‌گرایانه قومی در قالب امنیت پایدار ملی بود. از طرفی نیز عوامل مداخله‌کننده فرامرزی می‌تواند بر رفتار و رویکرد نخبگان قومی و ظرفیت بسیج‌پذیری‌شان نفوذ کرده و رویکرد امنیتی مناطق قومی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. البته شناسایی این تأثیرها نخست به تحولات منطقه‌ای مربوط می‌شود که در عرصه مسایل مرتبط با مدیریت و رویکردهای قومی کشورهای همسایه در حال وقوع است؛ که قطعاً نتایج این تحولات، اهداف و تصمیمات نخبگان قومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مطالبات آن‌ها را دچار تغییر خواهد کرد (Boucher & Landis, ۲۰۰۹: ۵۴). از طرف دیگر، فرآیند جهانی‌شدن که با توسعه ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... همراه است موجب شده تا هم گروه‌های قومی به خودآگاهی جمعی برسند و هم عوامل مداخله‌گر خارجی تحریک شوند و بسیج سیاسی را در میان این گروه‌های قومی دوچندان کنند. این امور با مدیریت و تدبیر نخبگان ملی به‌وسیله جذب نخبگان قومی و آگاه‌سازی آنان از مقاصد عوامل خارجی می‌تواند ثبات امنیت را در مناطق مرزی و قومی به‌دنبال داشته باشد.

۵- یافته‌های میدانی تحقیق (آزمون فرضیه)

۵-۱- آزمون فرضیه پژوهش: با توجه به فرضیه پژوهش، فرضیه‌های H_0 و H_1 را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد؛ H_0 : تأکید بر دین مشترک، توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهاى جغرافیایی مرزی، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، احترام به آداب و رسوم اقوام و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز)، از مهمترین عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام ایران نیستند. H_1 : تأکید بر دین مشترک، توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهاى جغرافیایی مرزی، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، احترام به آداب و رسوم اقوام و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز)، از مهمترین عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام ایران هستند. آزمون T تک نمونه‌ای (One-Sample T-Test) مربوط به فرضیه پژوهش تحقیق برابر جدول زیر است که عبارتند از:

	N تعداد	Mean میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	Std. Error Mean میانگین مربع خطا
Q ₁	۲۲۵	۴.۵۶۶۴	۱.۱۴۸۵۷	۰.۱۰۸۰۵
Q ₂	۲۲۵	۳.۴۹۵۶	۱.۳۵۰۴۲	۰.۱۲۷۰۴
Q ₃	۲۲۵	۳.۸۱۴۲	۱.۰۴۸۳۷	۰.۰۹۸۶۲
Q ₄	۲۲۵	۳.۷۳۴۷	۰.۹۲۵۵۹	۰.۰۹۳۵۰
Q ₅	۲۲۵	۳.۶۸۰۰	۰.۸۸۶۲۶	۰.۰۸۸۶۳
Q ₆	۲۲۵	۳.۷۲۰۰	۰.۸۰۵۰۳	۰.۰۸۰۵۰
Q ₇	۲۲۵	۳.۸۹۳۶	۰.۶۳۰۲۱	۰.۰۶۵۰۰
Q ₈	۲۲۵	۴.۷۲۰۰	۱.۱۵۵۴۰	۰.۱۱۵۵۴
Q ₉	۲۲۵	۳.۹۵۷۹	۱.۲۰۶۱۲	۰.۱۲۸۳۵
Q ₁₀	۲۲۵	۳.۳۴۰۰	۰.۸۴۳۵۱	۰.۰۸۴۳۵
Q ₁₁	۲۲۵	۳.۵۲۰۰	۰.۸۸۱۶۹	۰.۰۸۸۱۷
Q ₁₂	۲۲۵	۳.۴۲۸۶	۱.۰۱۵۳۵	۰.۱۰۲۵۷
Q ₁₃	۲۲۵	۳.۵۰۰۰	۱.۳۳۱۲۲	۰.۱۴۸۸۴

Q۱۴	۲۲۵	۳.۱۶۰۰	۰.۹۹۲۰۹	۰.۰۹۹۲۱
Q۱۵	۲۲۵	۴.۴۴۹۰	۰.۹۷۵۱۸	۰.۰۹۸۵۱
Q۱۶	۲۲۵	۴.۱۸۷۵	۰.۹۷۶۷۰	۰.۰۹۹۶۸
Q۱۷	۲۲۵	۲.۹۶۰۰	۱.۰۲۴۱۵	۰.۰۱۰۲۴۲
Q۱۸	۲۲۵	۳.۷۸۰۵	۰.۶۸۵۳۷	۰.۰۷۵۶۹
Q۱۹	۲۲۵	۳.۹۸۶۰	۱.۰۲۳۳۹	۰.۰۱۱۰۳۶
Q۲۰	۲۲۵	۳.۳۸۰۰	۱.۰۰۲۸۲	۰.۰۱۰۰۲۸
Q۲۱	۲۲۵	۳.۸۴۱۶	۱.۰۲۵۲۸	۰.۰۹۶۴۵

جدول ۲- آزمون T تک‌نمونه‌ای مربوط به فرضیه پژوهش

شاخص‌ها	Test Value = ۰					
	t مقدار آماره آزمون	df درجه آزادی	Sig. (۲-tailed) مقدار p.	Mean Difference میانگین اختلاف	۹۵% Confidence Interval of the Difference فاصله اطمینان	
					Lower کران پایین	Upper کران بالا
توجه جدی به توسعه و فقرزدایی از منطقه	۳۱.۲۹۸	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۴۷۷۷۸	۳.۰۴۴۰	۳.۴۵۶۰
ارتباطات مؤثر مسؤلان استانی با اقوام مرزی برای رفع نیازها	۲۶.۳۵۷	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۶۴۶۰۲	۳.۱۸۱۰	۳.۶۹۹۰
ارتباطات مؤثر مسؤلان حکومتی با اقوام منطقه	۲۴.۰۳۵	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۰۹۷۳۵	۲.۹۴۵۰	۳.۴۷۵۰
برگزاری جلسات هم‌اندیشی مذاهب و اقوام در موضوع‌های مشترک	۳۹.۹۴۴	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۶۶۷۳۲	۳.۵۴۹۱	۳.۹۲۰۳
استقبال نخبگان قومی از برنامه‌های مناطق قوم‌نشین و ملی	۴۱.۵۲۳	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۷۴۳۳۶	۳.۵۰۴۱	۳.۸۵۵۹
تأسیس مدارس دینی و جذب طلاب در داخل به‌جای مهاجرت به خارج	۴۶.۲۰۹	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۶۹۰۲۷	۳.۵۶۰۳	۳.۸۷۹۷
روشنگری و مقابله با تبلیغات نیروهای بیگانه	۵۹.۹۰۱	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۸۲۳۰۱	۳.۷۶۴۵	۴.۰۲۲۷
احترام به آداب و رسوم و سنت‌های مرسوم منطقه	۲۳.۵۴۲	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۸۷۶۱۱	۲.۴۹۰۷	۲.۹۴۹۳
تهیه و اجرای طرح توسعه منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت استان‌های مرزی	۲۶.۴۳۹	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۱۵۰۴۴	۳.۳۸۲۳	۳.۹۳۳۵
گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهاى جغرافیایی مرزی؛ به‌منظور توسعه تعاملات اجتماعی - سرزمینی	۳۹.۵۹۶	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۴۶۷۹۸	۳.۱۷۲۶	۳.۵۰۷۴
تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه	۳۹.۹۲۳	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۵۴۶۵۲	۳.۳۴۵۱	۳.۶۹۴۹
ترویج و تقویت نمادهای هویت ملی (مثل سرود ملی، پرچم ملی و...)	۳۳.۴۲۸	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۰۹۵۹۰	۳.۲۲۵۰	۳.۶۳۲۱
کنترل دقیق مرزها با ابزارهای الکترونیکی نوین	۲۳.۵۱۶	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۷۶۸۷۴	۳.۲۰۳۸	۳.۷۹۶۲
به‌مشارکت طلبیدن اقوام در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در راستای همبستگی ملی	۳۱.۸۵۲	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۷۳۳۴۴	۲.۹۶۳۱	۳.۳۵۶۹
تأکید بر دین مشترک	۳۵.۰۱۲	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۵۹۶۲۲	۳.۲۵۳۵	۳.۶۴۴۵

شاخص‌ها	Test Value = ۰					
	t مقدار آماره آزمون	df درجه آزادی	Sig. (1- tailed) p. مقدار	Mean Difference اختلاف میانگین	۹۵% Confidence Interval of the Difference فاصله اطمینان	
					Lower کوان پایین	Upper کوان بالا
تأکید بر آیین‌های پیوندگر و جشن‌های ملی (مانند عید نوروز و...)	۳۱.۹۷۶	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۸۲۳۰۱	۲.۹۸۹۶	۳.۳۸۵۴
کنترل موثر ارتباطات اقتصادی و اجتماعی اقوام با کشورهای همسایه	۲۸.۹۰۲	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۸۶۶۷۱	۲.۷۵۶۸	۳.۱۶۳۲
تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک	۴۹.۹۴۹	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۱۹۴۸۴	۳.۶۲۹۹	۳.۹۳۱۱
برقراری عدالت جغرافیایی در مناطق مرزی و ایجاد توازن نسبی میان مناطق مرکزی و حاشیه	۲۸.۸۷۱	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۵۷۶۸۴	۲.۹۶۶۶	۳.۴۰۵۵
آموزش و تربیت نیروهای متخصص بومی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... برای مدیریت مشاغل مناطق قومی	۳۳.۷۰۵	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۷۴۸۰۶	۳.۱۸۱۰	۳.۵۷۹۰
افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی	۱۱.۸۳۶	۲۲۴	۰.۰۰۰	۰.۰۸۶۳۸	۰.۹۵۰۵	۱.۳۳۲۷

با توجه به داده‌های به دست آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای (T-Test)، از آن‌جا که سطح معناداری در همه گویه‌های شانزده گانه نام‌برده پایین‌تر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد، می‌توانیم بگوییم که توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر دین مشترک و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز)، احترام به آداب و رسوم اقوام و برقراری عدالت جغرافیایی در مناطق مرزی و ایجاد توازن نسبی میان مناطق مرکزی و حاشیه از مهمترین عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام ایرانی محسوب می‌شوند. همچنین با توجه به نوسان میانگین و بالا بودن میانگین از حد استاندارد مورد نظر (حد استاندارد: ۳) این ادعا به تأیید می‌رسد. به عبارتی دیگر چون مقدار P-Value در پرسش‌های نام‌برده از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به سطح معناداری که در تمام گویه‌ها دارای سطح مطلوبی (پایین‌تر از ۰/۰۵) است. بنابراین فرضیه صفر (H_0) این پژوهش به نفع فرض (H_1) رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه تحقیق به تأیید می‌رسد. بنابراین، بر اساس نظر نخبگان قومی و دانشگاهی در این حوزه،

توجه جدی به توسعه و فقرزدایی از منطقه، ارتباطات مؤثر مسؤولان استانی با اقوام مرزی در راستای رفع نیازها، ارتباطات مؤثر مسؤولان حکومتی با اقوام منطقه، برگزاری جلسات هم‌اندیشی مذاهب و اقوام در موضوع‌های مشترک، استقبال نخبگان قومی از برنامه‌های مناطق قوم‌نشین و ملی، تأسیس مدارس دینی و جذب طلاب در داخل به‌جای مهاجرت به خارج، روشنگری و مقابله با تبلیغات نیروهای بیگانه، احترام به آداب و رسوم و سنت‌های مرسوم منطقه، تهیه و اجرای طرح توسعه منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت استان‌های مرزی، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهای جغرافیایی مرزی به‌منظور توسعه تعاملات اجتماعی - سرزمینی، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، ترویج و تقویت نمادهای هویت ملی (مانند سرود ملی، پرچم ملی و...)، کنترل دقیق مرزها با ابزارهای الکترونیکی نوین، به‌مشارکت طلبیدن اقوام در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همبستگی ملی، تأکید بر دین مشترک، تأکید بر آیین‌های پیوندگر و جشن‌های ملی (مانند عید نوروز و...)، کنترل مؤثر ارتباطات اقتصادی و اجتماعی اقوام با کشورهای همسایه، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، برقراری عدالت جغرافیایی در مناطق مرزی و ایجاد توازن نسبی میان مناطق مرکزی و حاشیه، آموزش و تربیت نیروهای متخصص بومی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... برای مدیریت مشاغل مناطق قومی، افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی از جمله عوامل امنیت‌ساز در میان اقوام محسوب می‌شوند. همچنین همه این گویه‌ها در مطالعات و یافته‌های میدانی با ارزش بیش از متوسط میانگین نظرات کارشناسان ($\text{Test Value} = 3$) مورد تأیید قرار گرفته است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

عوامل امنیت‌ساز و همبسته ملی، ناظر بر پیوندهایی است که اجتماع قومی را به ملت تبدیل و بقای آن را تضمین می‌کند. چنین پیوندهایی، محصول علل مختلف و متنوعی هستند و ابعاد عینی و ذهنی متعددی دارند. فرهنگ‌ها، نظام‌های اعتقادی، جهان‌بینی‌ها، مذاهب و ایدئولوژی‌ها در گروه عوامل ذهنی اثرگذار بر امنیت و همبستگی هستند. از طرفی، نهادهای اجتماعی همچون خانواده، نهادهای رسمی و نهاد حکومت و اجزای آن از جمله عوامل عینی امنیت‌ساز هستند. همچنان که این پژوهش هم نشان می‌دهد و اغلب نظریه‌پردازان سیاسی و جامعه‌شناسان هم تأیید می‌کنند، علل بسیاری برای امنیت بادوام در راستای همبستگی ملی مطرح هستند. در این جا به چند مؤلفه مهم این پژوهش اشاره می‌شود:

۱- عناصر هویت ملی؛ اگر هویت ملی ایرانی را بر مبنای عناصری همچون زبان، دین، تاریخ، فرهنگ و سرزمین مشترک تعریف کنیم، معلوم می‌شود که این عناصر ریشه در تاریخ ایران دارند و در طول زمان عامل پیوند و ایجاد امنیت در میان اقوام ایران بوده‌اند. از جمله؛ الف- عامل زبان و ادبیات. می‌توان به ادبیات مشترک چند هزارساله ایرانیان به عنوان یکی از عوامل مهم اشاره کرد. شاهنامه فردوسی و علاقه ایرانیان به آن و زبان فارسی که حامل نوعی فرهنگ والا است، عامل ارتباط اقوام ایرانی و ایرانیان است. ب- دین مشترک. چه قبل از اسلام و چه بعد از آن، با وجود اختلافات مذهبی، مهم‌ترین عامل وحدت‌بخش و امنیت‌ساز در فضای جغرافیایی چندقومی ایران بوده است. پ- عوامل جغرافیایی و سرزمین مشترک. وابستگی مکانی هر قوم، جزیی از هویت اوست. اهمیت این عامل در ایران به آن بوده است که در چه شرایطی و در مقابل چه کسانی بروز کند. وجه مشخصه آن، در تهدیداتی بوده است که از خارج متوجه به ایران و اقوام ایرانی بوده و اقوام مختلف ایرانی به مقابله با آن برخاسته‌اند. نمونه عینی این مورد، جنگ نابرابر هشت‌ساله‌ای است که حکومت عراق در زمان

صدام حسین بر افراد ملت ایران و جغرافیای ایران در [جنوب و] غرب کشور تحمیل کرد و سبب شد تا ملت ایران از هر قوم و نژادی به مقابله با آن پدیده مخرب پردازند. فرهنگ و تاریخ مشترک. این عوامل امنیت‌ساز و همگرا در پیدایش آداب و سنن فرهنگی خاص مؤثر بوده‌اند که خود سبب ظهور روحیات مشترکی در میان اقوام و ملت ایران شده است.

۲- توسعه‌یافتگی؛ توسعه‌ای در جغرافیای چندقومی ایران موجب امنیت پایدار و همبستگی ملی می‌شود که دارای آهنگی موزون، همه‌جانبه، تدریجی، بومی و عادلانه باشد. و گرنه در صورت بروز نابرابری در توسعه، سطح نگرش اقوام از وابستگی به شاخصه‌های ملی به شاخصه‌های قومی تغییر وضعیت می‌دهد و فرآیند قوم‌مداری به مرور جای فرآیند ملت‌مداری را تسخیر می‌کند.

۳- ارتباطات فرهنگی میان‌قومی؛ در جریان رابطه میان‌قومی و فرهنگی، اقوام در معرض دیگر ارزش‌های فرهنگی و قومی قرار می‌گیرند و در نتیجه، فرآیندی انعکاسی شکل گرفته و سبب تعامل مثبت و همگرا میان اقوام و اشخاص با یکدیگر می‌شود. این امر در میان اقوام ایرانی سبب امنیت و همبستگی ملی می‌شود.

به این ترتیب، تاریخ طولانی همزیستی توأم با وابستگی متقابل اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی همه ایرانیان باعث همبستگی عمیقی در سرزمین سیاسی ایران شده که پیوندهای خانوادگی گسترده، آداب و سنت‌ها، رسوم و مناسک مشترک، تاریخ و دین مشترک، شادی‌ها، رنج‌ها و دردهای مشترک، بخشی از کارکردهای این همزیستی مشترک تاریخی است.

در این راستا، این پژوهش به صورت میدانی به منظور مطالعه و بررسی شاخص‌های امنیت‌ساز در میان اقوام ایران به انجام رسید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که توجه جدی به توسعه مناطق مرزی، تأکید بر دین مشترک و آیین‌های پیوندگر (مانند عید نوروز) و احترام به آداب و رسوم اقوام از مهمترین عوامل امنیت‌ساز است. همچنین توجه به

متغیرهای دیگر از جمله؛ توجه جدی به فقرزدایی از منطقه، ارتباطات مؤثر مسئولان استانی با اقوام مرزی در راستای رفع نیازها، ارتباطات مؤثر مسئولان حکومتی با اقوام منطقه، برگزاری جلسات هم‌اندیشی مذاهب و اقوام در موضوع‌های مشترک، استقبال نخبگان قومی از برنامه‌های مناطق قوم نشین و ملی، تأسیس مدارس دینی و جذب طلاب در داخل به‌جای مهاجرت به خارج، روشنگری و مقابله با تبلیغات نیروهای بیگانه، گسترش شبکه‌های ارتباطی ریلی و جاده‌ای در فضاهای جغرافیایی مرزی (به‌منظور توسعه تعاملات اجتماعی - سرزمینی)، تقویت و توسعه روابط و تعهدات دوجانبه با کشورهای همسایه، ترویج و تقویت نمادهای هویت ملی (مانند سرود ملی، پرچم ملی و...)، کنترل دقیق مرزها با ابزارهای الکترونیکی نوین، به‌مشارکت طلبیدن اقوام در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای همبستگی ملی، کنترل مؤثر ارتباطات اقتصادی و اجتماعی اقوام با کشورهای همسایه، تأکید بر سرزمین و جغرافیای مشترک، برقراری عدالت جغرافیایی در مناطق مرزی و ایجاد توازن نسبی میان مناطق مرکزی و حاشیه، آموزش و تربیت نیروهای متخصص بومی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... برای مدیریت مشاغل مناطق قومی، افزایش تعامل میان مدیران نظام و نخبگان قومی می‌تواند امنیت پایدار ملی را به ارمغان آورد. در این ارتباط، مدل مفهومی پژوهش در پی آمده است.



مدل مفهومی پژوهش

منابع

- ۱- احمدی‌پور، زهرا، حیدری موصلو، طهمورث و حیدری موصلو، طیبه (۱۳۸۹)؛ «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار». فصلنامه انتظام اجتماعی. سال دوم. شماره اول، بهار و تابستان.
- ۲- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۰)؛ «بررسی علل گوناگونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹، پاییز.
- ۳- الطائی، علی (۱۳۸۲)؛ بحران هویت قومی در ایران، چاپ دوم. تهران: نشر شادگان.
- ۴- خطیبی، اعظم (۱۳۸۷)؛ «شناخت مؤلفه‌های اتحاد ملی و رابطه آن با امنیت پایدار ملی»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۴۱.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران. تهران: محل نشر سمت.
- ۶- حسین‌زاده، فهیمه (۱۳۸۰)؛ «گروه‌های قومی ایران، تفاوت‌ها و تشابه‌ها»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم. شماره ۸.
- ۷- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)؛ عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، محل نشر طرح نو.

- ۸- رنجبر، مقصود (۱۳۸۴)؛ «قانون و امنیت اجتماعی»، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۶۱.
- ۹- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)؛ مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۰- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸)؛ اسطوره‌شناسی سیاسی، تهران: محل نشر فردوس.
- ۱۱- سید امامی، کاووس (۱۳۸۵)؛ «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، دوفصل‌نامه دانش سیاسی، شماره سوم.
- ۱۲- شاکری خویی، احسان (۱۳۸۹)؛ «تبیین منازعات و چالش‌های قومی بر مبنای عوامل سیاسی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی. دفتر تحقیقات کاربردی.
- ۱۳- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹)؛ «اسطوره نوروز: نماد همبستگی ملی اقوام ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳.
- ۱۴- میرحیدر، دره (۱۳۸۴)؛ مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ هشتم، تهران: محل نشر سمت.
- ۱۵- محرابی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ «تنوع قومی و انسجام ملی در ایران: فرصت‌ها، چالش‌ها، راهبردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره ۷.
- ۱۶- نصیری، حسین (۱۳۸۴)؛ «امنیت ملی پایدار»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
- ۱۷- یوسفی‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۴)؛ «طبقه‌بندی فرهنگی اقوام ایرانی»، سلسله سخنرانی‌های گروه مطالعات قومی و ملی، نشست اول و دوم، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۸- یزدانی، عنایت‌الله و صادقی، زهرا (۱۳۸۹)؛ «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران در قالب تهدیدات فرهنگی-اجتماعی»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۳۹ و ۴۰.
- ۱۹- Devos, George (۲۰۰۵); Ethnic Pluralism, In G. Devos & I. Romanucciross(eds), Ethnic Identity, palo Alto, CA: mag field.
- ۲۰- Boucher, K., Landis, D (۲۰۰۹); Ethnic Confilict. Newbury Park. CA: sage.
- ۲۱- Waters, M (۲۰۰۷); Ethnic Options tref. Brkeley: university of California press.
- ۲۲- Borgatta, E (۲۰۰۶); Encycolopedia of Sociology, N.Y, Macmillan Publishing Company, Vol ۲.
- ۲۳- Job, Brianl (۲۰۰۵); the Insecurity Dilemma: National, Regime, and State Securities in the Third World, In Job. The Insecurity Dilemma.

- ۲۴- Kupper, A. & J. Kupper (۲۰۰۴); the Social Science Encyclopedia, London, Routledg, ۳rd, ed.
- ۲۵- Hylland, T (۲۰۰۸); Ethnicity and Nationalism, Anthropological Perspective, London, Pluto Press
- ۲۶- Marsden, Sophie. (۲۰۰۹); "Toward Sustainable Security". China Dialogue. January.
- ۲۷- Martin, Ernest (۲۰۰۶); Conceptual frame Works for the AnalysSis of Race Relations: An Evaluation Social Forces. Vol. ۵۰, No. ۳ (Mar).
- ۲۸- Robertson, Roland (۲۰۰۹); Globalization: Social the ory and Global Cultur. London, ۹۳ (۴).
- ۲۹- Thomas, Jim. (۲۰۰۸). Sustanable Security: Developing a Security for the Long Haul. Washington DC: Center for New American Security.
- ۳۰- Wolferse, Robert (۲۰۰۴); Peoples versus states: minorities at Risk in the new century, United States, Instituee of press.